

درباره ویژگی‌های خاص نقش خود در سریال محرمانه بگویید...

معمولا خیلی عادت ندارم درباره نقش خود و ویژگی‌های خاص شخصیتی نقش حرف بزنم، چرا که معتقدم آنچه که مخاطب قرار است از من بشنود را باید در نقش و بازی ام ببیند. اگر من توانسته باشم در نقش خود کاملا شخصیت را انعکاس دهم، دیگر نیاز به توضیح نیست و اگر موفق نشده باشم، دیگر توضیح کمکی نخواهد کرد.

از دیر باز تا کنون جنس بازی شما، برای مخاطب جذاب است، لطفاً برای مخاطبان، خصوصاً علاقه‌مندان به هنر بازیگری بگویید، از زمانی که متن را به دست می‌گیرید و نقشی را می‌پذیرید، تا وقتی که آن را جلوی دوربین بازی می‌کنید، چه پروسه‌ای را طی می‌کنید، تا به نقش نزدیک شوید؟

در واقع سعی من قبل تر از اینها شروع می‌شود. یعنی در هنگام زندگی! به آدمهایی که هر روز در زندگی ام با آنها رابطه دور یا نزدیک دارم نگاه و به صورت ناخودآگاه روی رفتار بقیه دقت می‌کنم. این بانک اطلاعاتی از طیف وسیع اطرافیان همواره در من وجود دارد و وقتی که یک کاراکتر به من پیشنهاد می‌شود، سعی می‌کنم از میان کاراکتر و کسانی که در خاطر سپردم وجه‌هایی مشترک با شخصیت بیابم، شاید تنها یک حس الهام از اتمسفر وجودی اشخاص بگیرم و یا شاید تکه کلام، گوشه اخلاقی و سایر مواردی که از یک شخص در ذهن من حک شده است. به این صورت بخشی از دیگران که برای من بولد می‌شود به خاطر می‌سپارم تا در موقع لزوم به آن مراجعه کنم، و در بازی ام بروز و ظهور پیدا کند. به عنوان مثال وقتی قرار است نقش یک مادر را بازی کنم، به این نکته توجه دارم که چه ویژگی‌ای از این مادر برجسته تر است، مهربانی او یا نقش محوری‌ای که او در خانواده دارد و یا همه تصمیم‌گیری‌ها به موازات او پیش می‌رود؟ یا مادر طنزآمیزی است که شوخ‌وشنگی‌اش در طعنه و کنایه‌هایش زبانزد است. بعضی اوقات هم که با تکرار نقشی و یا کاراکتری مواجه می‌شوم با نویسنده و کارگردان صحبت می‌کنم تا ویژگی‌های متفاوت‌تری را در نقش بگنجانم تا هم خودم و هم مخاطبان با نقش مشابه روبرو نشویم.

با این صحبت فکر می‌کنم مهم‌ترین شیوه نزدیک شدن به نقش برای فاطمه گودرزی همین نگاه کردن و توجه عمیق به اطرافیان است...

بله، کاملاً معتقدم تا وقتی که گنجینه‌ای مانند شخصیت‌های زنده و واقعی در اطراف ما هست، چرا باید به شکل‌های دیگر آن‌ها را باز آفرینی کنیم.

در خاطر من نیست که تا بحال شما در نقشی منفی دیده باشیم، دلیل اینکه برای نقش منفی انتخاب نمی‌شوید، چیست؟

اتفاقاً خیلی دوست دارم نقش منفی بازی کنم، اما متأسفانه معمولاً مرا برای نقش منفی انتخاب نمی‌کنند و این مسئله هم از دست من خارج است. اتفاقاً برای اینکه تنوعی در کار داشته باشم و توانایی‌های خود را در ارائه نقش منفی هم محک بزنم، بسیار علاقه‌مندم که در پرونده کاری خود ایفاگر نقش‌های متفاوت‌تری باشم.

شاید به این دلیل است که چهره شما خیلی صمیمی و مهربان است...

اتفاقاً در همه جای دنیا سعی می‌کنند، به کسانی که چهره معصوم و مظلوم دارند، نقش‌هایی بدهند که ذهن مخاطب را آگمراه کند. یعنی دختر مظلومی را می‌بینیم که کارهای خشونت‌وار می‌کند این مسئله، کمپلکس‌های روانی بدیعی را در مخاطب ایجاد می‌کند. این مسائل از نکته‌های عمیق فیلمسازی است که در ایران خیلی به آن پرداخت نمی‌شود، فیلمسازان ایرانی عمدتاً به دنبال یک کار روتین و بی‌درد سر هستند، کما اینکه درک این جانمایی‌ها در اثر فیلمی، حکم میان‌بر دارد و می‌تواند یک اثر را از همان ابتدا برای مخاطب جذاب و پُر از تعلیق کند، مخاطب با دیدن آنچه که در انتظارش نیست سورپرایز می‌شود و چه چیز از این زیباتر...

در اینجا قصد داریم به صورت تخصصی درباره بازیگران زن در ایران صحبت کنیم، از نظر شما

روندی که از آغاز ورود بازیگران زن به سینما و فیلم تاکنون طی شده است، با چه مرارت‌هایی روبرو بوده است؟

بازیگری من مبتنی بر سبک کلاسیک است، بازیگران قدیمی زن نیز از همین شیوه و متد استفاده می‌کردند. اما در دوره جدید یعنی همین چند ساله اخیر در رسانه‌های بصری ما کارگردانان نو ظهور و جوانی آمده‌اند که اجرای متدهای مدرن‌تری را از بازیگران انتظار دارند. مسلماً با این تغییر در رویکرد، لازم است بازیگران متدهای جدید را در خود باز نمایند. خوشبختانه این تحول در من اتفاق افتاد و به همین دلیل در روند بازیگری ام در طول زمان و دوره‌های مختلف خلل زمانی و... ایجاد نشد. با این وصف از نظر من تکلیف بازیگر که کارش ارائه نقش است، کاملاً روشن است. ما باید دائم تغییر کنیم و از بازی در سبک‌های متفاوت با کارگردان‌های مختلف که هر کدام خواسته‌ای خاص به خود دارند نیز استقبال کنیم. از نظر من بازی در سبک کلاسیک حتی بسیار سخت‌تر از ارائه نقش با شیوه‌های جدید است اما باید تحول را پذیرفت. مانند فیلم‌های که در دهه ۶۰ میلادی هالیوود ساخته می‌شد که در مقایسه با فیلم‌های امروز در تفاوتی فاحش هستند، نه تنها در بازیگری و اجرای نقش، حتی در ریتم تدوین و نما به نما در فیلم‌های امروز شاهد یک اثر پر ضرب و تند و تیز هستیم که به تناسب بازیگری متفاوت‌تری را می‌طلبد. سینمای امروز دیگر خیلی روی مکث‌های طولانی و آکسان‌های احساسی تأکید ندارد و به دنبال طرحی فشرده و موجز است تا در کوتاه‌ترین زمان بتواند، لب مطلب و احساس را به مخاطب انتقال دهد. من نیز به مثابه همین تحول به مرور زمان خودم را مونتاژ کردم و از یک بازیگری مبتنی بر لحظات کشدار و احساسی به بازیگری موجز رسیدم. برای من هر دو سبک جذاب است، طبیعتاً سبک جدید طرفداران بیشتری دارد. این مسئله در نویسندگی، کارگردانی و... هم نمود دارد به همین خاطر از نظر من طی شدن روند از گذشته تا کنون سینما بر پایه پذیرش تحولات و تغییرات در شیوه‌ها و سبک‌های اجرای بوده است.

بیشترین پیوند حسی مخاطب با فاطمه گودرزی با فیلم «می‌خواهم زنده بمانم» اتفاق افتاده است، این فیلم برای کثیری از مخاطبان ایرانی محبوب بود، لطفاً از همکاری خود با زنده یاد ایرج قادری در این فیلم بگویید...

خدا رحمت کند این هنرمند بزرگ کشورمان را که به زعم من یکی از حرفه‌ای‌ترین چهره‌ها در سینمای ایران بود. ایرج قادری کارگردانی بسیار زنده بود و به قول خودشان آنقدر سبک کاری حساب شده و چفت و بست داری داشت که حتی تلفنی هم می‌توانست، گروه تولید را راهنمایی کند. یکی از افتخارات من تجربه همکاری با ایشان بود و اتفاقاً ایرج قادری نیز از انتخاب من برای نقش فرنگیس در فیلم بسیار راضی بود، ماحصل کار یک تعامل رضایت‌بخش برای همه ما بود. عده‌ای نسبت به برخی از کارگردانان متصفانه رفتار نمی‌کنند، و این مسئله باعث تأسف است، از نظر من ایرج قادری یک کارگردان حرفه‌ای و کاربلد بود و به خاطر تسلط همه جانبه‌ای که داشت، بازیگران حرفه‌ای در همکاری با ایشان بسیار راحت بودند، اما بازیگران آماتور اصلاً نمی‌توانستند خواسته‌های او را عملی کنند. او به دنبال بازیگری بود که سریع مطلب را بگیرد و آن را در بازی‌اش لحاظ کند. تجربه بازی در فیلم «می‌خواهم زنده بمانم» برای من بسیار عالی بود، در کنار آن تجربه‌های دیگری نیز بودند که نقطه عطف‌های در پرونده کاری من بودند، مانند تله فیلم «ماه منیر» به کارگردانی مازیار لرسستانی بود که بسیار دوستش داشتم و همچنین فیلم «غزال» به کارگردانی مجتبی راعی که جایزه نقش اول زن در چهاردهمین جشنواره فیلم فجر را برایم به همراه داشت.

بازیگران زن در ایران نسبت به آقایان محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های خاصی را دارند که بر هیچ کس پوشیده نیست، چنانچه مایل هستید به موانعی که بر سر راه بازیگران زن در ایران وجود دارد، اشاره‌ای بفرمایید...

واقعاً در این مورد نمی‌توان حتی سر راست صحبت کرد، یعنی حتی برای عنوان کردن برخی مسائل باید خود سانسوری کنیم! مسائلی که می‌دانیم، به خصوص برای تلویزیون است. تلویزیون یک کادر و نگاه بسیار بسته‌ای دارد که بازیگران زن را با محدودیت‌هایی روبرو می‌کند که نقش‌پردازی‌شان با اختلال مواجه می‌شود، حرکت‌های سریعی مثل پریدن، دویدن و یا حتی حرکت‌های آزادانه با دست و... معمولاً با خطر سانسور مواجه می‌شود. خلاصه

اینکه باید صاف بریم و صاف بیایم تا گریه شاخمان نزنند!

شاید به همین دلیل است که کم‌دین زن در ایران به ندرت یافت می‌شوند...

بله، واقعاً نمی‌شود، من خودم در جریانم که در همین حوزه طنز و کمدی ما بازیگران زن با استعداد زیادی داریم، اما فرصت بروز و ظهور پیدا نمی‌کنند، پله اول بازیگری آرامش و راحتی بازیگر است که قرار است منجر به شکوفایی و خلاقیت شود که عموماً با این موانع، اگر انجام شدنی باشد هم بسیار سخت است.

تجربه بازیگری در رسانه‌های دیگری مانند شبکه نمایش خانگی و... برایتان چگونه بوده است؟

من با شبکه‌های نمایش خانگی دو مجموعه را کار کردم، سریال «ممنوعه» به کارگردانی امیر پور کیان و مجموعه دیگری به نام «سایه باز» به کارگردانی علی یاور بود. تجربه دوم یعنی بازی در سریال سایه باز بسیار مرأنا راحت کرد، در طول کار بسیار اذیت شدم و متأسفانه این کارگردان اصلاً راه روش درستی را از همان ابتدا پی نگرفت و بیش از آنکه او یک کارگردان هنری باشد، نگاهی تجاری و اقتصادی به سریال‌سازی داشتند. به همین دلیل اصلاً از همکاری که با این گروه، اصلاً راضی نیستیم. رابطه و ضابطه‌های که در تیم اصلی تولید بود، اصلاً برایم منطقی نبود. در واقع برای من که در طول این همه سال با تمامی گروه‌های فیلمسازی به راحتی کار کرده و با شرایط کنار آمده‌ام، کار با این گروه سخت بود. جدا از این مسائل، به طور کلی بازی در مجموعه‌های نمایش خانگی و سینما را به خاطر اینکه خیلی سخت نمی‌گیرند، بیشتر دوست دارم، اما در نهایت نقش برایم مهم است. امیدوارم که در آینده بتوانم با نقش‌های متفاوت‌تر و از رسانه‌های مختلف، مردم را در لحظاتی راضی و خشنود کنم.

اخیراً با سریال «محرمانه» به کارگردانی محمود معظمی که از شبکه سوم سیما پخش می‌شود، میهمان مخاطبان رسانه ملی هستید، از حضور خود در این گروه و تعاملتان با بازیگران دیگر بگویید...

سریال محرمانه، یک کارگردان بسیار با اخلاق دارد. همکاری من با ایشان به تناسب تسلطی که به کار داشتند، بسیار عالی و راحت بود. بقیه بازیگران هم قطعاً احساسی مثل من داشتند، من جمله پسر من که در این سریال نقش طلاها را بازی می‌کند. خوشبختانه برنامه‌ریزی‌ها و گروه تولید چنان منسجم و سوار بر کار هستند، که در طول دوره تولید همه ما بدون هیچ دغدغه سر صحنه و ضبط حاضر می‌شدیم و بدون هیچ چالشی کار خود را انجام می‌دهیم. آرامش موهبتی است که در سایه آن انجام هر کاری سهل‌تر و ممکن می‌شود. خلاقیت ماحصل همین رضایت‌مندی‌ها، تعاملات مشترک و آرامشی است که باید در گروه جاری باشد. یکی از مهم‌ترین خصوصیات محمود معظمی در مقام کارگردانی این بود که به پیشکسوتان این حرفه بسیار احترام می‌گذاشتند، البته من خودم را در این عرصه پیشکسوت نمی‌دانم، اما احترامی که ایشان برای پیشکسوتان گروه و بنده قائل بود، نقطه عطف این همکاری بود. علاوه بر آن گفتگو و تعاملی پویا نیز با عوامل داشتند.

الگوی شما در بازیگری کیست؟

به الگوی خاصی نمی‌توانم اشاره کنم، چرا که ما به سبب حرفه خود، فیلم‌های زیادی می‌بینیم و نقش‌پردازی بسیاری از بازیگران برایمان جذاب و خیره‌کننده است، چه بازیگران وطنی و چه بازیگران خارجی. در مورد بازیگران وطنی، برخی بازیگران بعضی لحظات را چنان زیبا ارائه کرده‌اند، که در ذهن و روانم ماندگار شده است. وقتی سن‌ام کمتر بود بیشتر فیلم‌های خارجی می‌دیدم، البته همچنان هم می‌بینم. در فیلم بینی بازی‌های خوب و ناب را با دقت بیشتری دنبال می‌کنم، تا اگر بتوانم در نقش‌پردازی‌ها از آنها استفاده کنم. اما رسیدن به آن لحظه ناب که اوج کاراکتر است را پالایشی می‌دانم از آنچه که تاکنون در محیط و... دیده و کسب کرده تا آنچه که در درون خودش به عنوان بازیگر است را با حس خود نقش ادغام کند. پالایش و پرداخت این فاکتورها با یکدیگر، رسیدن به همان لحظه ناب بازیگری است. در این مسیر بازیگر تنهاست و این حس تنها با اتکالی به نیروی درون قابل برون‌ریزی است. این فاکتورها برای من در بازیگری مهم است، به همین دلیل اگر این پالایش را در هر بازیگری ببینم، الگوی من خواهد شد.

